

دولت‌های جمهوری اسلامی؛ بد حساب و قانون گریز

طلب تامین اجتماعی پس از انقلاب ۱۴ هزار برابر شده است



آمار سازمان تامین اجتماعی از مطالبات این نهاد از دولت نشان می‌دهد که دولت‌های پس از انقلاب چندان به وعده‌ها و تکالیف برعهده خود عمل نکرده‌اند به گونه‌ای که حجم بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی از ۲۰ میلیارد و ۶۱۶ میلیون و ۱۸۲ هزار و ۹۶۱ ریال در دوره پیش از انقلاب، در پایان سال ۱۳۹۸ به ۲۹۴۴۰۵ میلیارد و ۴۱۵ میلیون و ۹۲۹ هزار و ۷۰۰ ریال رسیده است، یعنی در ۴۱ سال گذشته، این بدهی بیش از ۱۴ هزار بار بزرگتر شده است که همین موضوع، خطر ورشکستگی و به هم خوردن تعادل میان منابع و مصارف این سازمان را بیش از همیشه جدی کرده است.

البته در این بین، فقط دولت نیست که بدهکار بد حساب است. بدهی کارفرمایان بخش خصوصی و سایر نهادهای عمومی همچون شهرداری‌ها نیز ده‌ها هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که سبب شده است تامین اجتماعی که توان گرفتن این بدهی‌ها را ندارد، مدام از خدمات خود بکاهد و در این بین، بیمه‌شدگان که اتفاقاً خوش حساب‌ترین شریک سازمان به حساب می‌آیند، به سختی مجازات شوند.

در همین زمینه، نایب رئیس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی می‌گوید: دو مسأله ۱۴۸ و ۱۸۳ قانون کار، جرایم و مجازات‌های مضاعفی را برای کارفرمایان دارای فرار بیمه‌ای پیش‌بینی کرده است (جریمه‌ای معادل ۲ تا ۱۰ برابر حق بیمه پرداخت نشده) ولی این دو ماده قانون کار سال‌هاست در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاک می‌خورد و فقط هیات‌های تشخیص و حل اختلاف از ماده ۱۴۸ آن برای سابقه‌سازی صوری و تحمیل هزینه به سازمان تامین اجتماعی استفاده می‌کنند ولی از اعمال ماده ۱۸۳ که مکمل آن است، اجتناب می‌ورزند.

علی حیدری در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن تأکید بر اینکه از ابتدای مطرح شدن موضوع روابط کار، تنظیم روابط

کار بین کارگر و کارفرما از جمله وظایف و تکالیف دولت‌ها بوده و هست، افزود: از همان زمان و براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسلاف آن (قانون حمورابی، فرمان داریوش، منشور کوروش و قانون مگنا کارتا) لزوم پرداخت دستمزد و رعایت حقوق کارگر مطرح بوده است. متعاقب انقلاب صنعتی و جنبش‌های کارگری و رویکردهای کمونیستی و سوسیالیستی، موضوع بهره‌مندی عادلانه عوامل تولید (کار، سرمایه و...) از عواید حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مطرح شد و برقراری پوشش‌های بیمه اجتماعی و برخورداری از تامین اجتماعی به عنوان یکی از حقوق بنیادین کار تعیین شد و به همین دلیل «لستر تارو» شکل‌گیری تامین اجتماعی را محصول به سرعت آمدن نظام سرمایه‌داری می‌داند.

وی ادامه داد: تعیین سهم حق بیمه برای کارفرما در قبال بیمه اجتماعی کارگران و تعیین سهم حق بیمه برای دولت نیز در همین راستا صورت پذیرفت و این اقدام پرداختی و اختصاصی کارفرما و دولت، جزئی از حقوق کارگران محسوب می‌شود و حق آنهاست و کمک به سازمان بیمه‌گر اجتماعی تلقی نمی‌شود، بلکه حقوق حقه کارگر است.

نایب رئیس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه البته در مضامین اسلامی و آیات و روایات نیز بر این امر باورها تأکید شده و به همین دلیل در قانون اساسی چندین بار بر نفعی هر گونه استثمار و بهره‌کشی تصریح شده است، گفت: نتیجه آنکه پرداخت حق بیمه کارگر، جزو حقوق بنیادین کار، براساس مقوله نامه‌های بین‌المللی، به ویژه «سندسواد کار شایسته» است که

حجم بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی از ۲۰ میلیارد و ۶۱۶ میلیون و ۱۸۲ هزار و ۹۶۱ ریال در دوره پیش از انقلاب، در پایان سال ۱۳۹۸ به ۲۹۴۴۰۵ میلیارد و ۴۱۵ میلیون و ۹۲۹ هزار و ۷۰۰ ریال رسیده است

ایران آنها را پذیرفته و متعهد به اجرای آنهاست.

حیدری اظهار کرد: بر همین اساس است که وفق ماده ۴۹ قانون تامین اجتماعی، دیون مربوط به حق بیمه کارگران (اعم از سهم‌الشرکه کارفرما و سهم‌الشرکه دولت) در عداد مطالبات ممتاز تلقی شده است و نیز در ماده ۱۰۷ قانون تامین اجتماعی آمده است که به شکایات مربوط به وصول حق بیمه تامین اجتماعی، باید خارج از نوبت رسیدگی شود و نیز اختیارات اجرایی و شبه قضایی در قانون تامین اجتماعی و قانون کار برای وصول حق بیمه تعبیه شده است که عملاً برای صیانت از حقوق حقه کارگران است. حتی مقنن برای حصول اطمینان از پرداخت حق بیمه کارگر توسط کارفرما، علاوه بر احکام مندرج در قانون تامین اجتماعی، براساس دو ماده ۱۴۸ و ۱۸۳ قانون کار نیز جرایم و مجازات‌های مضاعفی را برای کارفرمایان دارای فرار بیمه‌ای پیش‌بینی کرده است ولی متأسفانه این دو ماده قانون کار سال‌هاست در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاک می‌خورد و فقط هیات‌های تشخیص و حل اختلاف از ماده ۱۴۸ آن برای سابقه‌سازی صوری و تحمیل هزینه به سازمان تامین اجتماعی استفاده می‌کنند ولی از اعمال ماده ۱۸۳ که مکمل آن است، اجتناب می‌ورزند.

حیدری ادامه داد: طی نیم قرن اخیر و از سال ۱۳۵۴ که بیمه‌های اجتماعی کارگران از حالت دوجانبه (کارگر و کارفرما) به حالت سه‌جانبه (کارگر، کارفرما و دولت) تبدیل و سه درصد حق بیمه سهم کارگر برعهده دولت گذاشته شد و بعدها نیز در قالب ۲۸ قانون و مقررات که براساس طرح و لوایح خلق الساعه یا در قالب قوانین عادی و



قبل از اجرای طرح تحول سلامت، تامین اجتماعی دچار کسری نقدینگی شدید نبود و میزان وصولی از بیمه‌شدگان و کارفرمایان، تکاپوی هزینه‌های جاری سازمان را می‌داد اما پس از اجرای این طرح، سازمان دچار عدم تعادل نقدینگی شدید شد

سنواتی (بودجه و برنامه‌های توسعه) به سازمان تامین اجتماعی تحمیل شده، دولت متقبل و متکفل پرداخت بخشی یا تمام حق بیمه سهم کارفرما یا بیمه‌شده برای برخی اقشار شده اما متأسفانه دولت‌ها هر ساله نسبت به پرداخت حق بیمه‌های جاری مربوطه اقدام نکرده‌اند، در حالی که سازمان به طور مستمر خدمات خود را به این بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران ارائه می‌کند اما این مبالغ تعهد شده به موقع پرداخته نشده است. روند رو به تریزید تولید و انباشت بدهی‌های بیمه‌ای دولت به سازمان تامین اجتماعی از دهه ۵۰ تا کنون ادامه دارد به نحوی که در ادوار مختلف، رقم بدهی‌های بیمه‌های دولت به کارگران (سازمان تامین اجتماعی) به ترتیب زیر افزایش یافته و تا پایان سال ۱۳۹۸ به حدود

۲۸۰ هزار میلیارد تومان میلیارد تومان رسیده است.

وی افزود: نگاهی به عملکرد دولت‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد که حجم بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی در دولت‌های مستقر از ابتدای انقلاب تا پایان جنگ حدوداً ۵۰ برابر، در دولت‌های سیزدهم تقریباً ۴ برابر، در دولت اصلاحات در حدود ۷ برابر، در دولت اصولگرایان (دوران احمدی‌نژاد) حدوداً ۱۲ برابر و در دولت حسن روحانی تقریباً ۴ برابر شده است.

حیدری اظهار کرد: تا قبل از اجرای طرح تحول سلامت، سازمان دچار کسری نقدینگی آنچنانی نبود و میزان تکاپوی هزینه‌های جاری سازمان را می‌داد اما متعاقب اجرای طرح تحول سلامت بدون تامین مالی هزینه‌های گزاف آن از سوی دولت، سازمان دچار عدم تعادل نقدینگی شدید شد و به فروش سهام خوب و فروش املاک مرغوب و دارایی‌های سرمایه‌ای متوسل شد و به ویژه به استقراض و انتشار اوراق با هزینه تامین مالی سرسام‌آور، روی آورد.

وی در پایان تأکید کرد: به نظر می‌رسد قاطبه کارگران و بیمه‌شدگان باید با نگاهی به گذشته، رفتار دولت‌ها و احزاب و نخله‌های سیاسی را در قبال استیفای حقوق حقه خود مشاهده و بر همان اساس تصمیم‌گیری کنند یا اینکه بر نامه عملی‌کاندیداهای ریاست جمهوری آینده و احزاب و نخله‌های سیاسی مربوطه را برای تادیه بدهی‌های بیمه‌ای دولت به کارگران (سازمان تامین اجتماعی) خواستار شده و با آنان برای تحقق این امر میثاق‌نامه امضا کنند و سپس مباردت به اعلام حمایت از کاندیداتوری آنان کنند.

سال	دوره	شرح	ماتده رقم بدهی (ریال)	نرخ رشد (برابر) نسبت به انتهی دوره قبل
1357	دوره قبل از انقلاب		20/616/182/961	نیت به مل مبه (1358) رشد چندان بیلی
1368	دوره انقلاب و جنگ		1/057/848/072/482	50
1376	دوره سازندگی		5/580/203/083/513	4
1384	دوره اصلاحات		46/755/759/784/430	7
1392	دوره اصولگرایان		592/444/651/760/740	12
1398	دوره اعتدالیون (هفت ساله)		2/944/058/415/929/700	4

قیمت کالاها در بازار و هزینه‌های زندگی کارگران به اندازه کافی گویاست. وی با بیان اینکه بسیاری از اقلام خوراکی و مصرفی از سبدمعیشت کارگران حذف شده، گفت: متأسفانه برخی اقلامی که شاید در گذشته هزینه‌زایی به زندگی کارگران تحمیل نمی‌کرد و با آن‌ها معاش می‌کردند امروز در حال حذف شدن از سبدمعیشت است. خرید گوشت و مرغ و مواد پروتئینی پیشکش، کارگران و بازنشستگان دیگر توان خرید میوه و پنیر هم ندارند. این مقام مسئول کارگری با تأکید بر اینکه کود و تورم و کاهش ارزش پول ملی ربطی به کارگر ندارد و کارگران حداقل بگیر، تنها به امر معاش و گذران زندگی امید بسته‌اند، گفت: کسانانی که دستمزد کارگران را تعیین می‌کنند می‌خواهیم تنگ نظری نکنند و با سخاوت بیشتر در خصوص دستمزد تصمیم بگیرند. کارگران صدقه‌نمی‌خواهند و دنبال فاهیات نیستند بلکه نگران هزینه‌های درمان، مسکن، اجاره بها و مواد خوراکی هستند که به سبدمعیشت آنها افزوده می‌شود.

بازنشستگان کند و سفره بازنشستگان و کارگران که از کالاهای اساسی خالی شده، مجدداً رنگین شود. این موضوع مستلزم ساز و کار علمی و منطقی و مبتنی بر واقعیت است. وی گفت: در سال جاری نسبت به سال ۹۸ قدرت خرید بازنشستگان ۱۰۷ درصد کاهش پیدا کرده و البته از نظر حقوقی نیز ۱۵ درصد تورم عقب بودیم که در نهایت باعث می‌شود تا ۳۳ درصد قدرت خرید نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کند. صادقی تأکید کرد: اگر تمرکز را روی افزایش ۳۳ درصدی مزد قرار دهیم و میزان مزد متناسب با تورم و شناور باشد، در چنین شرایطی تا حدودی وضعیت دستمزدی کارگران و بازنشستگان بهبود پیدا می‌کند و آثار این موضوع در جامعه مشخص خواهد شد.

دچار عقب‌ماندگی مزدی هستیم که شاخص‌های سبذ خانوار، این رقم را نشان می‌دهد به همین دلیل امسال هم پیشنهاد ما این بوده که تعیین مزد براساس سبذ هزینه‌های خانوار تعیین شود.

وی با بیان اینکه یکی از دلایلی که باعث شده بازنشستگان و کارگران تامین اجتماعی کف خیابان‌ها باشند و هر روز صدای اعتراض‌شان شنیده شود این است که حقوقشان کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، گفت: دولت باید فکری اساسی برای افزایش حقوق کارگران و

سبذ هزینه خانوار، حداقل حقوق یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بسته شد، اظهار داشت: بر این اساس شاهد عقب‌ماندگی حقوق بودیم. در تعیین دستمزد سال ۹۹ نیز تلاش شد این میزان جبران شود اما تورم افسار گسیخته، هر آنچه به عنوان افزایش حقوق تعیین شده بود را بلعید و عملاً حقوق کارگران به نقطه زیر صفر رسید.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با اشاره به اینکه در حال حاضر حقوق کارگران و بازنشستگان فقط ۳۷ درصد هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین می‌کند، افزود: ۳۶ درصد

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی:

کارگران در بحث دستمزد، صدقه نمی‌خواهند

کند که رضایت خاطر و رفاه حداقلی آنها برآوردنیال داشته باشد. فتح‌اله بیات در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: اگر کمیته دستمزد به جمع‌بندی نهایی درباره سبذ معیشت کارگران دست پیدا کند و شرکای اجتماعی و نمایندگان گروه کارفرمایی، کارگری و دولت به توافق برسند، قطعاً نتیجه بهتری از مذاکرات مزد خواهیم گرفت و نگرانی خاطر جامعه کارگری از تاخیر در تعیین دستمزد و موکول شدن آن به روزهای پایانی سال را شاهد نخواهیم بود.

وی ادامه داد: با توجه به فشار و بار روانی که جامعه کارگری هر سال در مورد رقم دستمزد با آن مواجه است، انتظار داریم که



رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با ابراز امیدواری از تصویب رقم سبذ معیشت کارگران در جلسه کمیته دستمزد، از شورای عالی کار خواست تا دستمزد سال ۱۴۰۰ را با در نظر گرفتن شرایط زندگی کارگران و بازنشستگان به گونه‌ای تعیین

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری خبر داد:

کاهش ۶۳ درصدی قدرت خرید کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی

شده بود که ملاک حقوق سال ۹۸ نیز قرار گرفت. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری افزود: با تورمی که در حال حاضر در جامعه وجود دارد، براساس همان سبذ هزینه خانوار، حداقل حقوق باید در سال آینده به ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برسد. صادقی با اشاره به اینکه سبذ هزینه خانوار مورد قبول گروه کارگری، کارفرمایی و دولت قرار گرفته بود، گفت: امسال نیز بنا داریم براساس همان سبذ، حداقل دستمزد‌ها را تعیین کنیم که امیدواریم مورد موافقت کلی قرار گیرد. وی با اشاره به اینکه در سال ۹۸ متأسفانه به رغم تعیین

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با اشاره به کاهش ۶۳ درصدی قدرت خرید کارگران و بازنشستگان در سال جاری، گفت: درخواست ما افزایش حقوق متناسب با کاهش قدرت خرید بازنشستگان است.

حسن صادقی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر درباره تعیین مزد ۱۴۰۰ اظهار داشت: پیشنهاد و نظر ما این است که معیار تعیین دستمزد سال آینده، سبذ هزینه مصوب سال ۹۷ باشد. وی گفت: براساس سبذ هزینه تعریف شده در سال ۹۷، حداقل حقوق ۴ میلیون و ۹۳۰ هزار تومان برآورد

اخبار کارگری

شریعتمداری: مسأله تهاوت بدهی هیکو حل شد



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تصویب تهاوت بدهی هیکو به بانک‌ها بدهی دولت به تامین اجتماعی در جلسه هیأت وزیران خبر داد.

به گزارش توسعه ایرانی، محمد شریعتمداری در صفحه توئیترش نوشت: به لطف خدا تهاوت بدهی هیکو به بانک‌ها بدهی دولت به تامین اجتماعی در جلسه هیأت وزیران به تصویب رسید که برای اجرا به بانک‌های عامل ابلاغ می‌شود.

وی افزود: به این ترتیب با همکاری مجدانه وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه مسأله تهاوت بدهی هیکو حل شد.

حقوق دی و بهمن کارگران هیکو پرداخت می‌شود

«سیدعلی آقا زاده» استاندار مرکزی در توئییتی با تقدیر از دولت و مسئولان موثر در رفع موانع تولید در هیکو گفت: همان‌گونه که یک ماه قبل قول دادم آخرین مانع هیکو با اقدام دولت رفع و هیکو از قید و بند بدهی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومانی آزاد شد.

به گزارش توسعه ایرانی، وی یکی از مشکلات شرکت هیکو را کرایه‌های سنگین به بانک‌ها و تامین اجتماعی دانست و گفت: این بدهی‌ها حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان است که برای بازگرداندن هیکو به چرخه تولید باید تکلیف این بدهی‌ها مشخص شود.

آقا زاده از پرداخت معوقات حقوق کارگران هیکو هم خبر داد و گفت: حقوق دی ماه و بهمن ماه کارگران هیکو تا ۱۰ روز آینده پرداخت می‌شود.

کولبران توان پرداخت هزینه‌های درمان را ندارند

کولبران قربانی مین، برای پوشش هزینه‌های درمانی خود هیچ چتر حمایتی ندارند.

به گزارش ایسنا، کولبران در هنگام عبور از کوهستان‌های مرزی با خطرات بسیار دست و پنجه نرم می‌کنند که یکی از این خطرات، مین‌های به جامانده از سال‌های جنگ تحمیلی است. این کولبران در صورت برخورد با مین و از دست دادن سلامتی، زیر چتر بیمه نیستند و باید همه هزینه‌های درمان را از جیب خالی خود بپردازند.

«لقمان وحید» کولبری پیرانشهری است که در سال ۹۶، روی مین رفت و بینایی یک چشم و یک پا را از دست داد.

او که تا امروز عمل‌های جراحی بسیاری را با کمک خیرین و فعالان مدنی انجام داده، می‌گوید: هنوز سوسوی چشم‌مانم رنگ‌شسته و پزشکان می‌گویند باید عمل پیوند قرینه را انجام دهم. این در حالی است که تنها بیمه‌ای که دارم، بیمه روستاییان و عشایر است و بیمارستان‌ها آن را برای مداوای من نمی‌پذیرند.



لقمان که سال‌هاست در گیر مداوا و هزینه‌های آن است، می‌گوید: در خانه‌ای استیجاری زندگی می‌کنم. همسرم کارگر روزمزد کشاورزی است و تنها منبع درآمد خانواده ما، درآمد ناچیزی است که از این راه به دست می‌آید.

او با بیان اینکه برادرهایم هم کولبر هستند و خانواده استطاعت کمک به من را ندارند، ادامه می‌دهد: بعد از رفتن روی مین، دیگر نتوانستم کار کنم و پول در بیاورم. دو فرزند دارم که هزینه‌های تحصیل آنها هم هست. تا امروز اگر مردم و خیرین نبودند، نمی‌توانستم طاقت بیاورم و ادامه بدهم.

وی خواستار تحت پوشش قرار رفتن بیمه است و می‌گوید: کاش لااقل، بخشی از هزینه‌های درمانی من و امثال من را بیمه قبول می‌کرد. من برای امر معاش و در آوردن هزینه‌های خانواده، مجبور به کولبری و عبور از مرز شدم ولی هیچ نهادی از حمایت نمی‌کند و ما را به امان خدا رها کرده‌اند.